

۵ دلیل بر قطعیت نزول وحی بر پیامبر اعظم(ص)

۸ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۵۶

اگر واقعا وحی و قرآن کریم حاصل تخیل یا قوه نابهغه پیامبر(ص) بود، پرسش این است که چرا دیگر نوابغ جهان در این ۱۴۰۰ سال از تخیل و آوردن نظیر کتاب وی درماندند؟ آیا این دلیل بر آن نیست که وحی حضرت از سنخ عالم ماورای طبیعت بود؟

برخی شرق شناسان بر این اعتقادند که وحی -و در مورد بحث وحی پیامبر اسلام (ص) محصول اعتقادات، ضمیر ناخودآگاه و باطنی، سیر و سلوک روانی و عرفانی پیامبران است. پیامبران که انسان‌های والا و وارسته بودند و علاقه‌ای مضاعف به هدایت مردم داشتند، با تراکم حالت‌های نفسانی، چنان علاقه‌ای مضاعف به هدایت مردم داشتند، با تراکم حالت‌های نفسانی، چنان می‌انگارند که با عالم غیب و فرشتگان الهی ارتباط پیدا کردند و الهام‌ها و پیام‌های وجدانی و نفسانی خود را پیام و سروش غیبی و آسمانی تلقی کرده و آن را به عنوان «وحی» به مخاطبان خود ابلاغ می‌کنند، این رهیافت منکر ارتباط واقعی پیامبران با عالم الوهی و ملائکه است و آن را صرفاً تلقی و گمانه‌زنی مدعی نبوت می‌داند.

بعضی از مستشرقان و دین‌پژوهان غربی بعد از مطالعات و تحقیقات جامع در شخصیت حضرت محمد(ص) اذعان داشتند: که وی فرد امین، رستگار، معتمد و دارای استعداد و نبوغ ویژه‌ای بوده که آن را صرف تبلیغ دین می‌کرد؛ اما اینکه آیا واقعا نیز پیامبر آسمانی بوده است؟ نمی‌توان آن را ثابت کرد.

پروفسور «مونتگمری وات» اسلام‌شناس غربی نه تنها وحی اسلام، بلکه وحی دیگر پیامبران را «تخیل خلاق» توصیف می‌کند و پیامبران را به صاحبان قوه تخیل مانند هنرمندان، شاعران و ادبا تشبیه می‌کند که آنان آنچه را دیگران حس می‌کنند، ولی نمی‌توانند بیان و اظهار کنند، به شکل محسوس در می‌آورند!

برخی از معاصران از این دیدگاه متأثر شدند، علی‌دشتی در دهه‌های پیش نتوانست مسأله وحی و حقیقت غیبی و آسمانی آن را برای خود هضم کند، لذا وحی پیامبر اسلام(ص) توسط جبرئیل را به خیال و ظهور آرزوهای پیامبر(ص) از اعماق ضمیر ناخودآگاه خود، توجیه می‌کند.

نقطه آغازین تفسیر روان‌شناختی از وحی و نادیده انگاشتن اتصال نفس نبوی به عالم غیب الوهی، حداقل در حوزه آیین اسلامی عصر نزول قرآن بر می‌گردد. مشرکان و کافران با توسل به این تفسیر، به انکار وحی و نبوت پیامبر اسلام(ص) و ارتباط وی با عالم

غیب می‌پرداختند. قرآن کریم یکی از تفسیرها و بهانه‌های مخالفان پیامبر(ص) را تفسیر حسی و روان‌شناختی وحی ذکر می‌کند و از زبان آنان در تحلیل وحی می‌فرماید.

حجت‌الاسلام محمدحسن قدردان قراملکی استادیار هیأت علمی گروه کلام و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در کتاب «درباره پیامبر اعظم(ص)» در پاسخ به این شبهه چنین می‌گوید:

*پاسخ به شبهه

۱- صرف ادعا: رهیافت فوق صرف ادعایی بیش نیست، اینکه انسان‌ها دارای حالت‌های روانی و باطنی مختلف هستند و بعضی در آن نبوغ خاصی دارند، دلیل بر نبوت و ارجاع وحی به آن نمی‌شود؛ به دیگر سخن اینکه وحی محصول و معلول قوه خیال یا ضمیر ناخودآگاه پیامبر(ص) است، بر این ادعا دلیلی اقامه نشده است.

۲- تخیل: مرهون شرایط خاص، تجلی حالت‌های روانی و ضمیر ناخودآگاه مرهون شرایط و بستر خاص است؛ مثلاً در انسان‌های بیمار، رنجیده و نگران، شکست‌خورده یا ریاضت‌کشیده بیشتر مشاهده می‌شود، در حالی که تاریخچه زندگانی پیامبران از جمله پیامبر اسلام(ص) از چنین شرایط و بستری خبر نمی‌دهد؛ بلکه بر عکس، بعضی آیات بر پیامبر(ص) در محیط مانند جنگ و مبارزه نازل می‌شد که نسبت آن به قوه تخیل و قوای درونی عادی محال است.

۳- راه عقلی شناخت پیامبر(ص): اندیشوران اسلامی برای اثبات صدق مدعی نبوت و تفکیک پیامبر راستین از پیامبر کذاب، علاوه بر تنصیب پیامبر پیشین، دو راهکار دیگر ذکر کردند: راهکار اول دلیل عقلی است به این بیان که عقل حکم می‌کند برای اثبات مدعای نبوت به فحص و بررسی در قرائن و شواهد این ادعا پرداخته شود. با تأمل در تاریخچه زندگی نامه پیامبر(ص) در می‌یابیم آن حضرت در دوران کودکی، درستکار، راستگو، امین و مورد وثوق و اطمینان جامعه خود و به دیگر صفات نیکو متخلق بودند. ایشان بعد از ادعای نبوت نیز به صفات کمالی خود باقی مانده، بلکه در مقابل انواع آزار و اذیت‌های مخالفان اعم از روحی و جسمی، روحیه خود را حفظ و تسلیم خواسته‌های مخالفان از جنس تهدید یا وعده نشدند، این نکته ایمان راسخ به راه و هدف حضرت را نشان می‌دهد.

در مقابل پیامبران، کسانی که ادعای وحی و پیغمبری کرده‌اند، نوعاً فاقد صفات فوق بودند. همگی آنان از ایام طفولیت و نوجوانی حداقل از یک جهت مثل مسئله اخلاق و رفتار یا ابتلای به بیماری جسمانی یا روانی و یا ایمان به هدف و تحمل انواع تهدیدها و وعده‌ها، نقطه ضعف داشته‌اند، به طوری که در بیشتر موارد از ادعای نبوت خودشان برمی‌گشتند.

بنابراین با تأمل و نگاهی به سیره و تاریخچه زندگی و دوره نبوت و مبارزه پیامبر(ص) می‌توان به اثبات راستگو بودن در ادعای نبوت و ارتباط غیبی‌شان با خداوند پرداخت.

۴- اعجاز دلیل نبوت: راهکار دیگر عقل، مسأله معجزه است، پیامبران به صرف ادعای نبوت بسنده نکرده‌اند، بلکه در مقابل درخواست مخاطبان خود و برای اثبات صدق مدعای خودشان از طرف خداوند معجزاتی آوردند که دیگران بر آن توانا نیستند، حضرت برای اثبات نبوت خود معجزه‌ای از جنس خوارق عادات زمانه خود آورد که عبارت بود از «قرآن کریم» در آن عصر که ادبیات و اشعار نغز رواج یافته بود. پیامبر (ص) با وجود آنکه به مدرسه‌ای نرفته و استادی ندیده بود، کتاب و کلامی آورد که عرب و ادیبان نامی معاصر خود را به تحیر انداخت، از حضرت دیگر معجزات مانند «شق قمر» صادر شده است که از مجموعه آن‌ها به صدق و درستی پیغمبری وی می‌توان یقین کرد.

پس اگر واقعا وحی و قرآن کریم حاصل تخیل یا قوه نابغه پیامبر(ص) بود، پرسش این است که چرا دیگران و نوابغ جهان در این چهارده سده از تخیل و آوردن نظیر کتاب وی درماندند؟ آیا این دلیل بر آن نیست که وحی حضرت از سنخ عالم ماورای طبیعت بود؟

۵- اخبار پیامبران پیشین: در کتب آسمانی پیشین از جمله تورات و انجیل ظهور پیامبری که در مکه با مشخصات حضرت محمد(ص) پیش‌بینی شده بود. برخی از محققان یهودی و مسیحی معاصر با توجه به این پیش‌بینی‌ها به حضرت محمد(ص) و آیین وی ایمان آورده و خود را در اثبات این مدعا کتاب نوشتند؛ مانند: میرزا محمد رضا از عالمان بزرگ یهود تهران، کتاب «اقامه الشهود فی رد الیهود»، محمد صادق فخرالاسالم کتاب «انیس الاعلام فی نصره الاسلام» و علی بن ربان الطبری کتاب «والدین و الدولة» را نوشتند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/27014/5-ص-اعظم-بر-پیامبر-وحی-نزول-بر-قطعیته-دلایل-5-14-27>